

نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در منظر آیت‌الله خامنه‌ای

امیر سیاهپوش*

چکیده

آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی را تغییری بنیادین در ارزش‌ها می‌داند که با دگرگونی در دل‌های افراد و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همراه است. این دگرگونی که با حضور توده مردم صورت می‌گیرد و ماهیتی مستمر دارد؛ جهتی تکاملی و تعالی‌بخش را می‌پیماید؛ دستاوردهای انقلاب در چنین فرآیندی بررسی و تعریف می‌گردد. تغییر بنیادین و فراگیر دو وجه اساسی و اصلی در شکل‌دهی به انقلاب‌ها می‌باشند. این مقاله درصدد است دستاوردهای انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای که بیشترین مستندات تجربی و میدانی را در ابعاد مختلف در اختیار داشته‌اند بررسی کند. بر اساس یافته‌ها مهمترین و اولین دستاورد انقلاب، استقلال سیاسی، رهایی از وابستگی و تشکیل نظام اسلامی است. در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و علمی نیز دستاوردها بسیار گسترده و غیرقابل مقایسه با زمان حاکمیت طاغوت مشاهده می‌شود که در مقاله بیان می‌گردد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، دستاوردها.

amirsiahpoosh370@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

*. استادیار دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۳

طرح مسئله

نظرگاه‌های مختلفی در تحلیل انقلاب‌ها شکل گرفته است و هر کدام از این رویکردها با توجه به اصول و مفروضات بنیادین خود به تشریح یا تبیین دستاوردها می‌پردازند. به نظر می‌آید کامل‌ترین چارچوب، مبتنی بر رویکردی است که به سه بعد مهم چیستی، چرایی و چگونگی انقلاب پرداخته باشد.

اگر ماهیت و جوهر انقلاب، علت‌ها و دلایل وقوع آن و فرآیند وقایع و حوادث منجر به انقلاب به خوبی مشخص شود آنگاه بیان دستاوردها و آثار انقلاب مسیر روشن و متناسبی را طی خواهد کرد. بسیار اتفاق می‌افتد که در بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی به چیستی و چرایی انقلاب توجه نمی‌شود و همین باعث تحلیلی انحرافی و نامتناسب با اهداف و آرمان‌های انقلاب می‌شود. بر همین اساس معیار و نسبت مقایسه با قبل از انقلاب و با آرمان‌ها را می‌توانیم روشن کنیم. هر معیاری نتیجه و ارزیابی متفاوتی - نه الزاماً متعارض - در اختیار ما خواهد گذاشت.

وقتی می‌خواهیم میزان پیشروی یک نفر در حرکت به سمت یک مقصد را بسنجیم نمی‌توانیم نقطه شروع حرکت ایشان را نادیده بگیریم. بنابراین هم برای ارزیابی توفیقات نسبت به گذشته و مهمتر از آن برای شناسایی موارد ارتجاعی و بازگشت‌هایی که می‌تواند نماد شکست باشد لازم است شرایط کنونی را با گذشته مقایسه کنیم.

آیت‌الله خامنه‌ای با هر دو هدف به مقایسه نتایج انقلاب با قبل از انقلاب می‌پردازند؛ هم برای بیان پیشرفت‌ها و هم برای یادآوری به متولیان و مسئولان که کدام تغییرات، تکاملی و کدام تغییرات پس از انقلاب ارتجاعی و بازگشت به فرهنگ طاغوتی است. از طرف دیگر لازم است در ارزیابی‌ها به مقدمات و امکانات و همین‌طور موانع توجه شود. در این صورت ارزیابی منصفانه‌ای خواهیم داشت.

آیت‌الله خامنه‌ای در ارزیابی‌ها به این موضوع هم توجه دارند. مسئله خیلی مهم، مقایسه نتایج با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای جایگاهی اساسی دارد. ایشان انقلاب را امری مستمر و تمام نشدنی می‌دانند چون آرمان‌های آن بسیار بزرگ، فراگیر و جهانی است. مقایسه نتایج با آرمان‌ها موجب تحرک و تلاش بیشتر و مانع رکود و توقف است.

شیوه بحث ایشان معمولاً به گونه‌ای است که به فراخور موضوع ابتدا به بیان وضعیت در حوزه مربوطه در زمان قبل از انقلاب می‌پردازند؛ سپس نتایج را در همان حوزه پس از انقلاب بیان می‌کنند؛ در برخی مواقع به ارزیابی وضع موجود هم می‌پردازند و در نهایت با توجه به وضعیت آرمانی به بیان کاستی‌ها و نواقص می‌پردازند. نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کنیم زمانمند بودن بسیاری از ارزیابی‌ها است. آیت‌الله خامنه‌ای در سالیان مختلف پس از انقلاب به‌خصوص در دوران مسئولیت رهبری،

دائماً به ارزیابی دستاوردهای انقلاب پرداخته‌اند. طبیعی است که ارزیابی‌های سال ۱۳۶۸ را با سال ۱۳۹۰ یا ۱۳۹۶ نمی‌توان یکسان دانست. در این مقاله به این موضوع توجه شده و تلاش شده نگاه کلی و مبنایی ایشان بیان گردد. سعی بر این بوده موارد و مصادیق پیشرفت یا پسرفت که ایشان در زمان‌های مختلف به آن اشاره داشته‌اند جمع‌بندی و مبتنی بر آن منطق مشترکی استنتاج گردد. نکته بسیار مهم ابعاد و کثرت موضوعاتی است که ایشان در بخش دستاوردها به آن پرداخته‌اند. این مقاله نمایی کوچک از انبوه مطالب مورد نظر را در خود جای داده است.

الف) دستاوردهای انقلاب اسلامی در مقایسه با قبل از انقلاب

انقلاب اسلامی در اعتراض به وضع موجود حاکم بر کشور شکل گرفته است و بدیهی است قبل از هر چیز باید دید آیا توانسته در وضع موجود دگرگونی متناسبی به‌وجود بیاورد یا خیر. آیت‌الله خامنه‌ای تصویر کاملی از وضعیت کشور در پیش از انقلاب ارائه می‌کند و به سرعت به مقایسه آثار انقلاب در همان بخش می‌پردازند. به‌طور خلاصه وضعیت کشور در دوران قبل از انقلاب را در بخش‌های مختلف چنین می‌بینند:

نظام سیاسی پهلوی دارای چهار شاخصه فساد، وابستگی، استبداد و بی‌کفایتی است. جامعه پیش از انقلاب از جهت فرهنگی و علمی دچار خودباختگی و بی‌هویتی فرهنگی، تقلید همه‌جانبه، عدم خودباوری، فساد هنری و ادبی و عقب‌ماندگی علمی است. از نظر اقتصادی نیز عقب‌ماندگی اقتصادی، محرومیت و فقر، وابستگی، شکاف طبقاتی، شکاف بین مرکز و پیرامون (محرومیت مصنوعی) و مصرف‌گرایی و از بین رفتن تولید و کشاورزی نمایانگر شرایط پیش از انقلاب است. به نظر آیت‌الله خامنه‌ای شاخص اصلی موفقیت، برداشتن آثار شوم طاغوت است اعم از آثار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و صد البته زدودن آثار فرهنگ طاغوتی و جاهلی در کشور که بیش از هر چیز اهمیت دارد:

اگر انقلاب اسلامی بتواند آثار شوم تسلط قدرت‌های طاغوتی را در این کشور برطرف کند، آن وقت بزرگ‌ترین وظیفه خودش را به انجام رسانده است. این آثار شوم دوران سلطه طاغوت چیست؟ در درجه اول، همین فقر و عقب‌ماندگی و جهل در بسیاری از مناطق کشور ماست. (بیانات، ۱۳۷۰/۳/۲۸)

۱. آثار و نتایج سیاسی داخلی

آیت‌الله خامنه‌ای کانون و عامل اصلی انحطاط همه‌جانبه ایران پیش از انقلاب را در وضعیت سیاسی و حاکمیت افراد مستبد، وابسته و بی‌کفایت می‌بیند. در این چارچوب فوری‌ترین و مهم‌ترین نتیجه انقلاب را باید در عرصه سیاسی جستجو کرد.

تغییر بنیادین در عرصه سیاسی دارای ابعاد و سطوحی است. قبل از هرچیز نظام پیشین باید ساقط شود و حکومت جدید جای آن را بگیرد. پس از استقرار حکومت جدید تازه مسئولیت ایجاد تحول شروع می‌شود. حکومت جدید باید سازوکارهای مفهومی و نهادی تغییر را ایجاد و اعمال کند. ابتدا لازم است در حوزه نظری نظام مناسبی طراحی شود تا براساس آن ساختارهای جدید بنا شود. بدون یک طرح مفهومی و نظری نظام نوظهور نمی‌تواند «انقلابی» باشد و انقلابی عمل کند.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی این تدارکات مفهومی و نهادی تغییر سیاسی را به خوبی فراهم کرد. ابتدا رژیم قبلی را ساقط ساخت و زنجیرهای اسارت در چنگ استبداد و استعمار را پاره کرد. پس از آن و به تدریج حکومت جدید جایگزین شد. حکومت انقلابی، فرآیند طراحی نظری و نیز نهادسازی را عهده‌دار شد. امام خمینی ایدئولوگ بزرگ انقلاب اسلامی این نظام مفهومی و مراحل نیل به آن را در چارچوب اندیشه «ولایت فقیه» و «جمهوری اسلامی» سال‌ها قبل از انقلاب ریخته بود. بنابراین جریان انقلابی با برنامه روشن و منضبطی پیش آمده بود. با پیروزی انقلاب، این طرح کلان مرحله‌به‌مرحله و با رهبری امام به اجرا در آمد. امام می‌دانست چه می‌خواهد و امت پیرو امام هم از هدف انقلاب آگاهی داشت. به بیان میشل فوکو:

شما چه می‌خواهید؟ در مدت اقامت در ایران یک بار هم واژه انقلاب را از کسی نشنیدم؛ اما از پنج مخاطب من چهار نفر جواب می‌دادند: حکومت اسلامی. (فوکو، ۱۳۷۷: ۳۶)

یک. تخریب نهادهای پیشین

بنابراین اولین کاری که باید در یک انقلاب صورت گیرد تخریب نهادهای قبلی است که عامل و کارگزار اصلی برنامه‌ها هستند. طبیعتاً نظام سیاسی، قبل از سایر نهادها در معرض تغییر و تخریب قرار می‌گیرد.

و کشور از چنگ قدرت شیطانی خون‌ریزِ ظالمانه رژیم کافرمنش و فاسق و فاجر و عیاش و ضد‌مردمی و وابسته به بیگانه و بی‌اعتنای به مصالح ملت و نیز سرانی که فقط خوشی‌های خودشان را در نظر داشتند و همه امکانات عظیم این مملکت را برای چنین چیزی صرف می‌کردند، نجات پیدا کرد. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

نظام استبدادی که از نظر ریمون آرون، اندیشمند راست‌گرا و لیبرال فرانسوی، تمام اقشار مختلف را سرکوب و مطرود کرده بود. (خرمشاد، ۱۳۸۴: ۲۰) بنابراین مهم‌ترین وظیفه از این جهت به فرجام رسیده و این قدرت شیطانی که مجمع همه زشتی‌ها است از بین رفته است.

دو. استقلال سیاسی

دومین نتیجه در عرصه سیاسی محصول دستاورد اول، یعنی تغییر نظام سیاسی است. وابستگی به دولت‌های خارجی ویژگی مهم دولت‌های قاجار و پهلوی در دویست سال اخیر است، حال یا وابستگی به روس‌ها یا انگلیسی‌ها یا فرانسوی‌ها. موريس دورژه معتقد است، قرن ما متوالیاً شاهد دو نوع استبداد جمعی است: یکی نظام‌های تک‌حزبی عمدتاً کمونیستی که بدون حمایت‌های آشکار اردوگاه شرق در قدرت نمی‌مانند و دیگر استبداد متکی به ارتش در جهان سرمایه‌داری تحت حمایت‌های پنهان اردوگاه غرب. از نظر ایشان پینوشه، ویدلا و محمدرضا وابسته به اردوگاه دوم هستند و بدون آن در قدرت نمی‌توانند بمانند. (خرمشاد، ۱۳۸۴: ۱۳)

در طول این دویست سال، ملت ایران از خود رأیی نداشت. بر ثروت خویش مسلط نبود و از پیشرفت علم و صنعت در دنیا بی‌بهره مانده بود و امید درستی هم به آینده نداشت. اگر در گذشته - قبل از دوران استعمار و دخالت خارجی‌ها در کشور ما - حکام ایرانی و داخلی بر مردم جفا و ستم می‌کردند و زور می‌گفتند، در طول دوران ورود قدرت‌های استعماری به ایران، هم سلطه مستبدان بود، هم اعدام‌های بی‌محاکمه رواج داشت، هم زورگویی‌های بی‌حدوحصر و فشارهای فراوان و اختناق‌های بی‌اندازه بر ملت ما روا داشته می‌شد و هم مستبدان به وسیله قدرت‌های بیگانه حمایت می‌شدند و قدرت آنها مضاعف می‌گردید و ثروت کشور ما هم به وسیله هر دو - هم حکام داخلی مستبد و هم خارجی‌های زورگو - به باد غارت می‌رفت. (بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۴) مشکل اساسی ما این بود که به وسیله استعمار، با ده‌ها زنجیر بسته شده بودیم و انقلاب اسلامی زنجیرهای اسارت و وابستگی را پاره کرد. (همان)

سه. ایجاد حکومت اسلامی

اما انقلاب اسلامی پس از تخریب نهادهای پیشین و رهایی از وابستگی سیاسی، حکومت اسلامی متکی به مردم را پس از هزاران سال استبداد و دیکتاتوری تأسیس کرد و این اولین ثمره ایجابی انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی بود.

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند هزاران سال بر کشور ایران حکومت استبدادی وجود داشته است. کشور ایران دچار یک غفلت و خمودی تاریخی بود و هیچ‌گاه در تصمیم‌گیری برای آینده خودش سهمی جدی نداشت. مسئله انقلاب اسلامی و آرمان آن این نبود که صرفاً حاکمان ظالم قبلی را برکنار کند و این ساختار تاریخی را تخریب کند. همین‌طور کوتاه کردن دست قدرت‌های مسلط، دستاوردی بود مهم، اما نمی‌توانست منزلگاه نهایی باشد. تغییر بنیادین در عرصه سیاسی زمانی اتفاق می‌افتد که پس از تخریب ساختارهای قبلی، ساختار جدید ایجاد و مستقر شود و انقلاب اسلامی این کار را کرد.

انقلاب به ما این توان را داد که توانستیم دیواره سنگی تاریخی را بشکافیم و خود را از این چارچوب و حصار سنگی خارج کنیم. انقلاب به این اندازه هم اکتفا نکرد، بلکه یک الگو را در مقابل ما گذاشت و آن، جمهوری اسلامی است. (بیانات، ۱۳۸۳/۴/۱۷)

به نظر آیت‌الله خامنه‌ای در طول دوره‌های گذشته، حتی در زمانی که اسلام به ایران آمد، حکومت اسلامی به معنای صحیح آن، در این کشور ایجاد نشد. فتوحات اسلامی شد، عناصر اسلامی بزرگی به اینجا آمدند، عناصر بزرگ‌تری از خود ایرانیان در اینجا پرورش پیدا کردند، علما و بزرگان و دانشمندان برجسته تاریخ اسلام و ستاره‌های آسمان اسلام در اینجا به وجود آمدند و رشد کردند؛ اما نظام اسلامی در کشور برقرار نشد. نه در زمان امویان و عباسیان و نه در عصر قاجاریه و صفویه هیچ‌گاه در هیچ‌جا حاکمیت سیاست اسلامی را نمی‌بینیم. نظام شاهنشاهی با منطق و صورتی جدید استمرار پیدا کرد. (بیانات، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱) بر همین اساس معتقدند جمهوری اسلامی عظیم و قوی، عزیزترین میراثی است که بعد از میراث اسلامی رسول اکرم ﷺ، شخص عظیمی برای امت و قوم خود باقی گذاشته است. (بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۹)

چهار. جلب مشارکت مردمی و تثبیت حکومت قانون

گفته شد یک ویژگی مهم نظام ستم‌شاهی استبداد و دیکتاتوری فردی بود. شخص شاه خودش را مالک جان و مال و ناموس مردم می‌دانست و مطابق با میل خود با آن عمل می‌کرد. یکی از روشن‌ترین دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی جلب مشارکت مبتنی بر قانون اسلامی است.

مسئله حضور مردم و انتخابات در نظام جمهوری اسلامی شکل بدیع و تازه‌ای است که در دنیا عرضه می‌شود؛ جلب مشارکت سیاسی آگاهانه، (بیانات، ۱۳۸۵/۹/۲۲) حضور یک‌پارچه مردم، رقابت جدی، فعالیت و تلاش حقیقی مردمی، در کنار معیارهای اسلامی و معیارهای الهی (بیانات، ۱۳۸۸/۵/۱۲) قبل از انقلاب انسداد سیاسی کشنده‌ای حاکم بود و بعد از انقلاب رابطه عاطفی بین مردم و مسئولین شکل گرفته است. امکان انتقال قدرت و دست‌به‌دست شدن آن در فرآیندی قانونی است که پیش از انقلاب معنا نداشت. (بیانات، ۱۳۹۲/۴/۳۰)

پنج. معرفت سیاسی جدید

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم «واژه‌سازی» هم «تهادسازی» بشود. (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲) وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ بنابراین این حرکت و این نهضت باید

واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد و مطلب ناگفته خواهد ماند. در مفهوم‌سازی این اتفاق افتاد و انقلاب اسلامی اصطلاحاتی نو مثل «استکبار»، «استضعاف»، «مردمی بودن»، «مردم‌سالاری اسلامی» و «جمهوری اسلامی» را مطرح کرد. (همان) به این ترتیب بود که به تبع شکل‌گیری حکومت جدید بر پایه اسلام و مشارکت مردم، این حکومت مردمی دین‌مدار، معرفت سیاسی و ادبیات نویی را وارد دنیای سیاست کرد. (بیانات، ۱۳۸۱/۶/۲۴)

شش. نهادسازی

ایجاد معرفت سیاسی نوین و راهگشا یک تحول مهم است و منشأ تحولات دیگر هم خواهد بود. اما این معرفت نو، کارآمدی خود را زمانی می‌تواند نشان دهد که نهادهای نویی بر پایه آن شکل بگیرد یا نهادهای قبلی را اصلاح و در صورت نقص تکمیل کند. یک انقلاب بزرگ و فراگیر باید بتواند نهادهای جدیدی ایجاد کند یا دست‌کم نهادهای سابق را به گونه‌ای در هاضمه ارزش‌های انقلابی حل کند که ماهیت‌شان تغییر یافته و در خدمت اهداف انقلاب قرار گیرند.

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی اصلاح و تهذیب برخی نهادهای قبلی و تأسیس نهادهای جدید است. به نظر ایشان وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا می‌کند، بایستی دستگاه‌های مجری که آن هدف‌ها را باید دنبال کنند به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند، یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است؛ اما انقلاب اسلامی هر دو را انجام داد. (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲)

پیش از انقلاب نهادهای سیاسی مثل مجلس، عدلیه، نخست‌وزیری و ارتش وجود داشتند که انقلاب اسلامی برخی نهادها مثل مجلس و قوه قضائیه را به کلی دگرگون ساخت و برخی از نهادها مثل ارتش را بازسازی کرد. همچنین انقلاب اسلامی نهادهای متناسب با اهدافش را تولید کرد: شورای نگهبان، مجلس خبرگان، بنیاد شهید، کمیته امداد، جهاد سازندگی و بسیج از جمله مهم‌ترین این نهادها هستند. دسته سوم نهادها، نهادهایی است که مشابه قبلی داشته و براساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی و به موازات نهادهای قبلی شکل گرفته‌اند: سپاه پاسداران و نیروی انتظامی از این جمله‌اند. انقلاب اسلامی نهادهایی را به وجود آورد که در هیچ حکومتی تا پیش از آن سابقه نداشته است و تمام آنها محصول تفکر انقلابی، متکی به اسلام است. نهادهایی مثل شورای نگهبان، مجلس خبرگان، کمیته امداد، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، بنیاد شهید و بسیج مردمی.

آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند شورای نگهبان مطمئن‌ترین دستگاه و ارگانی است که انقلاب به نظام کشور بخشیده است. دستگاهی که عماد ملت و دین و مایه اطمینان و سکینه قلب مؤمنین است و در

حقیقت نبض نظام اسلامی به شمار می‌رود. (بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۴) تشکیل مجلس خبرگان هم یکی از مظاهر حرکت اسلامی و پایه اسلامی جامعه و نظام اسلامی است. (بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲) بسیج، (بیانات، ۱۳۷۶/۹/۵) جهاد سازندگی، (بیانات، ۱۳۷۲/۴/۲۳) بنیاد شهید، (بیانات، ۱۳۶۹/۱۰/۲۳) سپاه، (بیانات، ۱۳۷۸/۶/۲۴) جهاد دانشگاهی، (بیانات، ۱۳۸۶/۴/۲۵) بنیاد مستضعفان (بیانات، ۱۳۶۸/۹/۵) و صندوق‌های قرض‌الحسنه (بیانات، ۱۳۶۸/۷/۱۲) از دیگر مولودات و نهادهای اصیل انقلاب اسلامی هستند.

اما انقلاب اسلامی علاوه بر ایجاد نهادهای جدید، برخی نهادهای قدیمی را هم نگه داشت و اصلاحات بنیادینی در آن انجام داد. از جمله دستگاه قضایی و مجلس. بدیهی است که نظام قضایی در جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی پس از انقلاب بسیار متفاوت از قبل از انقلاب هستند اما نهادهایی جدید به حساب نمی‌آیند.

تفاوت اصلی نظام قضایی پس از انقلاب با پیش از آن در حاکمیت عدالت بر این دستگاه است. در حقیقت دستگاه قضایی به یک دستگاه عدالت‌محور تبدیل شد. (بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۹). همین‌طور پیش از انقلاب نیز مجلس وجود داشت؛ اما مجلس واقعی و مردمی نبود به سه دلیل: اولاً مردم سهم جدی در آن نداشتند. ثانیاً به انحراف کشیده شد و در خدمت دربار و سیاست‌های استعماری قرار گرفت و ثالثاً از موازین اسلامی دور بود. اما پس از انقلاب نمایندگان، حقیقتاً نمایندگان مردم‌اند. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که در این مجلس، کسانی وجود داشته باشند که نخواهند احکام اسلامی در این کشور مستقر و پیاده شود. (بیانات، ۱۳۷۵/۳/۲۹)

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رضاخان و محمدرضا شاه، پلیس را مثل بقیه نهادها ضایع کرده بودند. پلیسی که رئیس‌اش مجری تمام نظرات شوم رضاخانی و حکومت کودتا در دوره اول و دوره دوم باشد، معلوم است که میدانی برای فضیلت‌ها نخواهد یافت. اما پس از انقلاب پلیس:

متحول شده و نسبت به گذشته، همه چیزش نه فقط ظواهرش خیلی تفاوت کرده است. (بیانات، ۱۳۶۹/۷/۴)

در مقوله نظامی، ارتش که ساخته و پرداخته فرهنگ و نظام دیگری و کسان دیگری بود، تبدیل شد به یک ارتش انقلابی، متدین و مؤمن و ساخت‌ها، روش‌ها و شعارهایش هم تغییر پیدا کرد. در کنار این، نهاد نوپا و تازه‌ای از خود انقلاب روئید و آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ که اگر این دومی نمی‌شد، اولی هم امکان‌پذیر نبود. (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲) آیت‌الله خامنه‌ای نظام ارتش را از نظام‌های مثبت بجا مانده قبل از انقلاب می‌داند که البته در اختیار مدیریت استبداد وابسته، نه کارایی و کفایت مناسبی از خود نشان می‌داد و نه در خدمت منافع ملت بود. به اعتقاد ایشان یکی از عرصه‌ها و

میدان‌هایی که جمهوری اسلامی و انقلاب، در آن با استکبار دست به گریبان شد و استکبار را در آن عرصه شکست داد، عرصه ارتش جمهوری اسلامی ایران است. ارتش صحنه و میدانی بود که اسلام و کفر در آن دست به گریبان شدند و اسلام کفر را بر زمین زد و بر آن پیروز شد. (بیانات، ۱۳۷۴/۱/۳۰) بنابراین بی‌شک، ارتش امروز، از ارتش سال‌های پیش، هم کارآمدتر و هم انقلابی‌تر است. یکی از آثار آن در خودکفایی و ابتکار در تعمیر و تولید تجهیزات نظامی است. (بیانات، ۱۳۷۶/۷/۵)

به‌طور کلی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی بسیار روشن، متعدد، فراگیر و بنیادین است. یک نظام سیاسی فاسد و وابسته و منحرفی، واژگون و به‌جای آن، نظام سالم و مستقل و کارآمدی را در کشور ایران بر سر کار آورد. هنر بزرگ امام در این بود که:

به‌جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به‌جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به‌جای بی‌توجهی به سرنوشت ملت، به‌خصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به‌جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روزبه‌روز توسعه پیدا می‌کند. به‌جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است ... همه نقاط منفی‌ای که در نظام منحل پهلوی بر ملت ایران تحمیل شده بود و جزو خصلت‌های ذاتی آن نظام سیاسی بود، در نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور به‌وجود آورد، به نقاطی که صد و هشتاد درجه با آن فاصله دارد، تبدیل شده است. در نظام اسلامی، مردم به خودشان ایمان و اعتقاد دارند؛ نظام سیاسی برای خود احترام قائل است؛ زیر بار تحمیل قدرت‌مداران جهانی و سلطه استکباری نمی‌رود؛ استقلال کشور، متکی به منافع و مصالح خود این مردم است، نه متکی به خواست و مصالح بیگانگان؛ مسئولان کشور، منتخبان خود ملت‌اند، نه تحمیل‌شده به‌وسیله اجانب یا به‌وجود آمده در کودتاهای نظامی و با پول دشمنان. در آن نظام، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، هیچ نقشی نداشتند؛ اما در نظام اسلامی، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، همه نقش و تأثیر را دارا هستند. (بیانات، ۱۳۷۶/۳/۱۴)

۲. آثار و نتایج فرهنگی داخلی

محققان و صاحب‌نظران زیادی بر این باورند که ماهیت اصلی انقلاب اسلامی فرهنگی است و مهم‌ترین دستاورد آن را هم باید در این عرصه جستجو کرد. آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی را انقلابی با ماهیت فرهنگی می‌داند و میزان موفقیت و عقب‌گرد آن را هم با شاخص‌های فرهنگی می‌سنجد.

ارزیابی آیت‌الله خامنه‌ای از نتایج فرهنگی انقلاب در مقاطع زمانی مختلف یکسان نیست. در مجموع ایشان مشکل‌ترین بخش در مدیریت و ثمربخشی را بخش فرهنگی می‌دانند. (بیانات، ۱۳۶۹/۹/۱۹)

یک. تربیت هنرمند انقلابی

به اعتقاد ایشان طبیعی بود که انقلاب در آغاز، روشن‌فکر جماعت و اهل هنر را که با دین، ایمان، روحانیت و تقوا سروکاری نداشتند، نتواند جذب کند. بعضی جذب انقلاب شدند؛ چون وجدان‌های بیداری داشتند، عده‌ای هم کنار ماندند و انقلاب نتوانست آنها را جذب کند. (بیانات، ۱۳۷۰/۵/۲۳) یکی از دستاوردهای انقلاب تربیت هنرمندان کیفی هم‌سو با انقلاب است گرچه از جهت کمیت در مجموعه هنرمندان کشور اقلیتی بیش نیستند. در حقیقت یکی از معجزات انقلاب، پرورش هنرمندان و روایت‌گران تاریخ انقلاب است. (بیانات، ۱۳۷۰/۴/۲۵)

برعکس هنر، معتقدند وضعیت ادبیات انقلاب بسیار بهتر است و رشد ادبیات انقلاب، خیلی بیشتر از رشد ادبیات معمولی ما در ده‌ها سال گذشته است. (بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۵) این رشد هم در کمیت است و هم در کیفیت و هم جهت‌گیری و تغییر رویکردها. انقلاب از جهت دیگر به رشد ادبیات و زبان فارسی کمک کرده است. علاقه‌مندان مشتاق انقلاب اسلامی ناچارند برای آشنایی با ارزش‌های انقلاب و نیز شناخت شخصیت امام، زبان فارسی را یاد بگیرند و همین امر زمینه گسترش زبان فارسی در دنیا را فراهم ساخته است. (بیانات، ۱۳۸۷/۶/۲۵)

دو. ایجاد امکان و فرصت دفاع از ارزش‌ها

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایجاد امکان و فرصت دفاع از ارزش‌های اسلامی و ملی بود چیزی که پیش از انقلاب درست عکس آن عمل می‌شد. به عبارت دیگر پیش از انقلاب دست‌ها و ذهن‌ها را نه‌تنها برای دفاع از ارزش‌ها بسته بودند؛ بلکه فرصت‌ها و امکانات در اختیار نیروها و جریان‌های ضدارزشی قرار داشت:

سال‌ها اسلام بود، اما نه در صحنه فعالیت‌های اساسی عالم. در طول سلطنت‌های مفصل ایران، عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بودند، اسلام به معنای حقیقی کلمه در دستگاه‌شان نبود؛ اسلام منزوی بود. در دوران پیشرفت غرب و اروپا هم ارزش‌های مادی به شکل‌های مختلف بر دنیا حاکم شد و اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاد؛ حتی سعی می‌کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند و کشورهای مسلمان را هم با تفکرات لائیک و غیراسلامی حتی از صورت اسلام جدا کنند. «بسم‌الله» گفتن در اول حرف‌زدن‌ها ننگ بود. نماز خواندن ننگ بود. مسلمان‌زیستن به

معنای واقعی محال بود. تظاهرات اسلامی، بیشتر تشریفاتی بود. از معنویت اسلام، از جهاد اسلام و از ارجحیت اسلام در مقابل رقیب‌های مادی، خبری نبود. برای اینکه وعده خدا یعنی پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد، پیروزی ارزش‌های الهی بر همه مادی‌گری‌های کوتاه نظرانه به تحقق بپیوندد، باید اسلام در عرصه زندگی خودش را مطرح می‌کرد و انقلاب اسلامی این فرصت را به‌وجود آورد. (بیانات، ۱۳۸۷/۶/۲۵)

سه. احیای هویت و فرهنگ ملی

یک دستاورد فرهنگی دیگر، احیای هویت و فرهنگ ملی با بیرون راندن فرهنگ استعماری است. به نظر ایشان قبل از انقلاب از هویت ملی و ملیت اسم زیاد می‌آوردند؛ اما به هیچ‌وجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی‌کردند. چون کسانی که ایران را برای منافع خودشان می‌خواستند، می‌دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی‌توانند به منافی که هدف گرفته‌اند، برسند. (بیانات، ۱۳۸۳/۲/۲۸) آنها با همه مظاهر فرهنگ ملی، دشمن بودند؛ حتی با طرح لباس بومی! و چون هویت ملی در ایران آمیخته با هویت دینی بود ناچار بودند با شاخص‌ها و ارزش‌های دینی هم بجنگند. (همان) انقلاب هم هویت ملی را زنده کرد و هم افسانه تعارض ملیت و دیانت را از بین برد.

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب نشان هویتی ایران را تغییر داد. روزی بود که مردم دنیا، اگر از ایران خبری داشتند، به خاطر داستان‌های افسانه‌وار و ولخرجی‌های فسادآمیز دستگاه حکومت خائن پادشاهی بود؛ از این طریق اسم ایران را می‌شنیدند. در ولخرجی‌ها و قماربازی‌هایشان در کازینوهای معروف دنیا، از ایران اسم می‌آوردند؛ به مناسبت اینکه پادشاهان و حکمرانان کشور ایران، اموال این ملت را به آنجا می‌بردند و می‌باختند و برمی‌گشتند! اما پس از انقلاب اسلامی در دنیا، نام اسلام را با عنوان شجاعت و عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی می‌شناسند. (بیانات، ۱۳۷۵/۶/۲۷)

چهار. رشد خودباوری

یک شاخصه مهم دیگر در دوره پهلوی و یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی‌توانیم» بود. ایشان معتقدند همه مردم از بچگی طوری بار آمده بودند که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه زمینه‌ها. این فرهنگ را در ذهن ملت نهادینه کرده بودند. (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۳۱) و انقلاب، فرهنگ خودباوری در کشور ما را بیدار کرد. (بیانات، ۱۳۸۴/۷/۳) و حرکت به سمت استقلال فرهنگی را شروع کرد. به اعتقاد ایشان مهم‌ترین و سخت‌ترین بُعد استقلال، استقلال فرهنگی است که تازه در کشور شروع شده است. (بیانات، ۱۳۸۵/۶/۲۵)

پنج. رشد فرهنگ مجاهدت و شهادت

همچنین به نظر آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی به مردم ایران فرهنگ جهادی را هدیه کرد (بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴) و فرهنگ فداکاری و شهادت‌طلبی را زنده کرد. در صورتی که در گذشته، سیلی‌خوران در راه خدا کم بودند و برخی در طی عمر هفتادساله خود، تحمل کمترین سختی در راه خدا را هم نداشتند و حاضر نبودند در راه خدا یک اخم را تحمل کنند؛ چه برسد به اینکه جان و سرمایه وجود خود را در راه خدا بدهند و انقلاب این مسیر را تغییر داد. (بیانات، ۱۳۶۸/۵/۲۵)

۳. آثار و نتایج علمی و فکری

علم، به‌خصوص در دنیای امروز، اساس هر نوع تحول و ترقی است. فرهنگ مدرن مبتنی بر سلطه علمی توانسته استیلای خود را در بخش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسعه دهد. رژیم پهلوی هم با رویکردی مقلدانه و چشم‌پسته مدعی پیروی از چنین منطقی بود. اما عملاً جز صورتی از علم آن هم در بخش‌های محدود، نشانی از پیشرفت علمی دیده نمی‌شد. آیت‌الله خامنه‌ای آثار و نتایج انقلاب اسلامی در عرصه علمی و فکری را بسیار شگرف می‌بیند. این آثار در مقایسه با قبل از انقلاب و وضعیت رو به انحطاط آن زمان بسیار ویژه است:

اولاً دانشگاه‌ها بر بنیان ضدیت با دین پایه‌گذاری شد و انقلاب اسلامی این جهت‌گیری را تغییر داد «کسانی دانشگاه را بنیان‌گذاری کردند که اساس دین را، نه که قبول نداشتند، بالاتر از این بود می‌خواستند اصلاً دین را ریشه کن کنند». (بیانات، ۱۳۶۹/۵/۲۳) همین‌طور احیای عقلانیت صحیح و نگاه موشکافانه به مسائل، (بیانات، ۱۳۹۳/۵/۰۱) احیای آزاداندیشی و راه‌اندازی جنبش نرم‌افزاری در محیط دانشگاهی، (بیانات، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳) تکریم و احترام به نخبگان، (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۱۹) ایجاد سرزندگی و نشاط در محیط دانشجویی (بیانات، ۱۳۹۱/۵/۱۶) و اعتماد به نفس و خودباوری در حوزه علم و ابتکار (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۲۴) از جمله آثار و خدمات انقلاب اسلامی است که نتیجه آن رشد علمی بسیار بالا (بیانات، ۱۳۸۵/۶/۲۵) و غیرقابل مقایسه با دوران قبل از انقلاب است.

۴. آثار و نتایج اقتصادی

نتایج انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد دارای نوساناتی است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای از برخی جهات تحولات بسیار خوب بوده است: شکستن بت تبعیض و هموارسازی مسیر عدالت، آماده‌سازی زیرساخت‌های اساسی مثل آب و برق و

شکستن بت تبعیض و باز کردن مسیر عدالت

شاخص ضریب جینی معیار مهمی است که محققان برای ارزیابی تبعیض از آن استفاده می‌کنند. ارقام مربوط به قبل از انقلاب یکسان نیست. اوشیما ضریب جینی سال ۱۳۴۸ را بین ۰/۶۰ و ۰/۷۰ دانسته و مولر نیز ضریب جینی ایران را در سال ۱۳۴۹، معادل ۰/۵۲ و سهم درآمد ۲۰ درصد قشر بالای جامعه را از کل درآمد در همین سال معادل ۶۲/۷ درصد ذکر کرده است. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۶۹) به نظر آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی بت تبعیض و طاغوت‌پروری را در کشور شکست. قبل از انقلاب، فاصله بین فقیر و غنی یک امر اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد. انقلاب اسلامی آمد و راه عدالت اجتماعی را باز و مسیر را هموار کرد. (بیانات، ۱۳۷۹/۲/۱۴) مبتنی بر همین تغییر نگاه، میزان خدمات به محرومان و قشرهای مظلوم، به روستاها، به روستایی‌ها، به بخش‌های دوردست کشور، به کارهای بی‌زرق و برق اما پُر فایده، با وجود جنگ و اقتصادی، چند برابر حجم و تعدادی است که در طول سال‌های متمادی حکومت گذشتگان انجام گرفته است. (بیانات، ۱۳۶۹/۸/۲)

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند تحولاتی که انقلاب اسلامی در کشور به وجود آورد، تحولات بسیار عظیم و عمیقی است؛ در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، در اثبات هویت ملی، این تحولات، تحولات ۱۸۰ درجه‌ای و بسیار هم عمیق است. اما تحولات حوزه اقتصاد با این کیفیت نبوده است:

صریحاً عرض می‌کنم تحولاتی که در زمینه اقتصادی انجام گرفته، متناسب با تحولات در بخش‌های دیگر نیست. ما باید می‌توانستیم یک الگوی موفق از اقتصاد به دنیا عرضه کنیم ... باید ما هم کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصاد، هم کارآمدی در جهت تأمین عدالت را به دنیا نشان می‌دادیم. البته کارهایی را که شده و می‌دانیم، نمی‌خواهیم انکار کنیم؛ کارهای بسیار مهمی انجام گرفته، لکن به آن سطحی که باید می‌رسیدیم، قطعاً نرسیده‌ایم و این برای ما دردناک است. (بیانات، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

منطق این ارزیابی را باید در نوع نگاه ایشان به اقتصاد اسلامی دانست. در اندیشه ایشان هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی اگر دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست: یکی «افزایش ثروت ملی» و دیگری «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. (همان) به نظر ایشان در دهه اول انقلاب به خاطر مسائل دفاع مقدس، گرفتاری‌های گوناگون و محاصرات عجیب و غریب اقتصادی، اقداماتی کردیم که به

مالکیت گسترده دولت منتهی شد؛ بیش از آن مقداری که در قانون اساسی ذکر شده بود. در دهه دوم و سوم هم نباید با گسترش شرکت‌های دولتی غیرضروری موافقت می‌شد؛ یعنی تشکیل آنها به وسیله دولت یا واگذار نکردن بنگاه‌های ذیل اصل ۴۴ به مردم، موافق مصلحت نبود. اگر ضرورت‌هایی هم این کار را در آن دوره ایجاب می‌کرد، نباید این کارها در دوره بعد از جنگ انجام می‌گرفت؛ نباید بی‌خود شرکت تولید می‌شد؛ نباید از واگذاری شرکت‌های دولتی به مردم، در آن بخشی که قانون اساسی تصریح به آن کرده بود، کوتاهی می‌شد؛ باید شرکت‌ها واگذار می‌شد. باید مالکیت دولت روزبه‌روز کمتر می‌شد. به اعتقاد ایشان نه تنها این واگذاری صورت نگرفت، بلکه مالکیت دولتی بیشتر و گسترده‌تر شد! به همین دلیل خیلی از درآمدهایی که باید در خدمت تولید و گردش صحیح پول در جامعه قرار می‌گرفت، صرف کارهای غیر لازم شد؛ فعالیت‌های اسراف‌آمیز و ساختمان‌سازی‌های بی‌خودی. (همان) این روند غلط مانع تولید ثروت شد. عین همین نگرانی‌ها در بخش مربوط به عدالت - مسئله رفع فقر و محرومیت - هم وجود دارد. (همان)

باید توجه کرد این ارزیابی در قیاس با آرمان‌های انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد نه با پیش از انقلاب که به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست.

۵. آثار معنوی و اخلاقی

انقلاب اسلامی انقلابی الهی و معنوی است و هدف اصلی آن مبارزه با همه مظاهر شرک و طاغوت است. این انقلاب جامعه‌ای غرق در شهوات و انواع آلودگی‌ها و رذائل اخلاقی را به سمت حیات طیبه حرکت داد و حاصل آن هم زائل ساختن بسیاری از رذایل و احیای بسیاری از فضایل و مکارم اخلاقی بود. نتیجه آن را هم باید در تربیت انسان‌هایی مشاهده کرد که از جهت کمی و کیفی به نوعی از مردمان صدر اسلام جلوتر هستند.

انقلاب اسلامی ریل جامعه را از دشمنی با معنویت به سمت حمایت از اخلاق و طهارت تغییر داد. انقلاب و نظام اسلامی زمینه بسیار مساعدی برای پالایش درون و پالایش فضای کاری کشور به وجود آورد. (بیانات، ۱۳۷۹/۴/۱۹) امروز در دوران جمهوری اسلامی این فرصت برای احاد جامعه هست که حرکت کنند، درست حرکت کنند، درست زندگی کنند، مؤمنانه زندگی کنند، با عفت زندگی کنند؛ نه اینکه راه گناه بسته است، [نه]، راه گناه همیشه باز است، اما راه خوب زیستن، مؤمن زیستن، عقیف زیستن هم در زیر سایه اسلام باز است. (بیانات، ۱۳۹۳/۱/۳۱) مظاهر آن را در گرایش به مراسمی مثل اعتکاف باید جستجو کرد:

در زمان قدیم زمان ما که جوان بودیم در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه‌های دیگر و در همه ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند! در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می‌کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲)

نکته مهم در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای اعتماد برخی افراد به برخی افسوس‌ها و حسرت‌ها نسبت به وضعیت خوب گذشته از جهت معنوی است! آیت‌الله خامنه‌ای چنین دیدگاهی را محصول یک توطئه تبلیغاتی می‌داند:

دست‌هایی تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه می‌خواهند این طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دین‌دارتر و با اخلاق‌تر بودند! این، دروغ است. سابق یعنی چه وقت؟ یعنی دویست سال قبل؟ بله، ممکن است؛ البته آن را هم ما چیزهایی شنیده‌ایم، ندیده‌ایم. آن سابقی که ما یادمان است پنجاه سال قبل، چهل سال قبل، سی سال قبل انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می‌شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود! مردم راه می‌رفتند و راحت سیگار می‌کشیدند، غذا می‌خوردند، ساندویچ می‌خوردند! اصلاً کسی احساس نمی‌کرد که اینجا روزه است! مشهد که شهری مذهبی بود ما در مشهد بودیم مردم راحت و علنی روزه می‌خوردند؛ کآنه در بعضی از بخش‌های شهر، اصلاً ماه رمضان نیامده است! در مساجد ظهر ماه رمضان در غالب مساجدی که انسان سر می‌زد و می‌رفتیم، می‌دیدیم پنجاه نفر، چهل نفر، حداکثر صد نفر جمعیت نشسته بودند؛ مگر اینکه در جایی یک منبری معروف خوش بیانی باشد! (همان)

اما امروز شرایط بسیار متفاوت است آن هم در دنیایی غرق فساد:

امروز جوانان ما در دنیایی که نسل جوان روزبه‌روز، رو به فساد بیشتر می‌رود در این مملکت، روزبه‌روز پاکیزه‌تر، طاهرت‌تر و نورانی‌تر می‌شوند. آن وقت تبلیغات استکباری، این کشور و این جوانان، این دانشگاه، این دانشجو و این استاد دانشگاه و نیز این طبقات گوناگون مردم را که همه سعی می‌کنند به خدا نزدیک شوند، و خودشان را بیشتر با اسلام و احکام اسلامی منطبق کنند، می‌کوشد این‌گونه وانمود کند که از اسلام دور شده‌اند! نظام اسلامی آن‌چنان جوانان را تربیت کرده و آن‌چنان حکومتی آورده است که وقتی همه دنیا از فسادهای اخلاقی رنج می‌برند، اینها در امانند. در کشور بزرگ امریکا، بسیاری از مصلحین و متفکران و مردان روحانی، فریادشان از فساد است که در آنجا حاکم است، بلند است، همه می‌نالند و راه‌های علاجی پیدا نمی‌کنند؛ اما نظام جمهوری اسلامی در چنین شرایطی توانسته است محیطی امن و امان برای نسل جوان به وجود آورد. (همان)

بنابراین از نظر ایشان انسان‌سازی ارزشمندترین فرآورده و دستاورد این انقلاب محسوب می‌شود. برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهم‌تر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمی‌خواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده بی‌جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان می‌بخشد، ارزش می‌دهد، نور می‌دهد و معنا و مضمون به وجود می‌آورد، انسان است. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰) جانشین، عنوانی است که خدا به انسان داده است. این جانشین را کجا گذاشته‌اند؟ «فِي الْأَرْضِ». ارض بدون این جانشین، چیست و چه ارزشی دارد؟ تمام پیامبران و عبادالله الصالحین، هم‌شان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه امام رحمةالله علیه، فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، را ساختن جوانان می‌داند از این قبیل است، یک حرف نبود که همین‌طور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد، واقعاً فتح‌الفتوح، یعنی ساختن انسان صالح. (بیانات، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰)

ب) نتایج و دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی در مقایسه با قبل از انقلاب

پدیده نادری مثل انقلاب اسلامی عموماً آثار و نتایجی فراتر از محیط داخلی خواهد داشت و دست‌کم جغرافیای پیرامونی را متأثر خواهد کرد. انقلاب اسلامی بی‌تردید آثار جهانی گسترده‌ای در جهات و جوانب مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی داشته است. آیت‌الله خامنه‌ای بیش از هر چیز بر آثار فرهنگی، معنوی و سیاسی انقلاب اسلامی تکیه دارد:

انقلاب در درجه اول تحولی در جامعه ایرانی بود و در درجه بعد، در مجموعه امت اسلامی و سپس، در معادلات کلان جهان سیاست. و جغرافیای قدرت را در دنیا - به‌خصوص در برخی از مناطق دنیا - به‌کلی عوض و جابه‌جا کرد. (بیانات، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹)

به اعتقاد ایشان با پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور هم‌زمان دو جریان عظیم در سراسر گیتی آغاز شد: اول، روند ستایش و امید و درس‌گیری از سوی ملت‌های مستضعف و زیر ستم، به‌خصوص در کشورهای اسلامی و نیز مسلمانان سراسر جهان و همه آزاداندیشان عالم. دوم، روند نگرانی و توطئه و دشمنی از سوی دولت‌های مستکبر، صهیونیست‌ها، سرمایه‌داران غارتگر بین‌المللی و نیز وابستگان آنها در برخی کشورهای دیگر.

درخصوص جریان اول، با تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، مسلمانان در همه جهان هویتی تازه یافتند و احساس عزت و شخصیت اسلامی، در آنان دمیده شد، کوشش مستمری که در طول ده‌ها سال

از سوی قدرت‌های استعماری و استکباری برای تحقیر مسلمانی و مسلمانان به کار رفته بود، نقش بر آب گشت و در همه جای دنیای اسلام، روحیه افتخار به اسلام و مسلمان بودن رو به رشد و گسترش گذاشت. نهضت‌های فرهنگی و سیاسی از سوی جوانان و آزادگان مسلمان در چهار گوشه عالم شکل گرفت، از غیرمسلمانان کسان بسیاری به اسلام و مکتب انقلابی آن ایمان آوردند و کسان بسیار دیگری به دیانت و رسالت دین در تحولات اجتماعی دل بستند، و امام خمینی، همچون رمز هویت اسلامی و پرچم‌دار مبارزه با استکبار و فرعون‌ها و زورگویان بین‌المللی شناخته شد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، حاکمیت دین و عزت و استقلال اسلامی، شعار مبارزان و جوانان و روشن‌فکران شد و خیل عظیمی از جوانان آنان، منش و رفتار جوانان ایرانی را الگوی خود قرار دادند. و بسیاری از رؤساء و سیاست‌مداران آنان نیز تظاهر به مسلمانی و دیانت را از سر مصلحت، جایگزین تظاهر به بی‌دینی و بی‌بندوباری کردند. (پیام به ملت ایران، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱)

جریان دوم، یعنی روند دشمنی‌ها، کینه‌ها و توطئه‌ها از نخستین روزهای پیروزی انقلاب آغاز شد و به تدریج با زایل شدن حیرت و سردرگمی که سیاست‌مداران دولت‌های استکباری و غارت‌گران و صهیونیست‌ها بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی در یک نقطه حساس جهان بدان دچار شده بودند، گسترش و عمق و تنوع یافت. پیشرو و پرچم‌دار این خصومت آشتی‌ناپذیر دولت آمریکا و زائده صهیونیست آن در خاورمیانه بودند که با سقوط رژیم پهلوی، مطیع‌ترین متحد و مزدور خود در منطقه را از دست داده و از منافع سیاسی و اقتصادی خود در ایران محروم شده بودند. فهرست این تلاش‌های خصمانه شامل اقدام‌های سیاسی، تهاجمات نظامی، تدارک کودتاها، شورش آفرینی در مناطق متعددی از کشور، محاصره‌ها و توطئه‌های اقتصادی و حبس ذخائر ارزی، به کارگیری صدها رادیو و روزنامه و ده‌ها هزار مقاله و گفتار تبلیغاتی و در نهایت شبیخون همه‌جانبه فرهنگی است. (همان)

در مجموع می‌توان مهم‌ترین آثار سیاسی و معنوی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را در دو عرصه کلی (جهان اسلامی و جامعه جهانی) مورد توجه قرار داد:

۱. بازتولید معارف والای اسلامی در جهان اسلام. (بیانات، ۱۳۸۹/۸/۳)
۲. عزت بخشیدن به اسلام و مسلمین. (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴)
۳. آشناسازی ملت‌های مسلمان با هم، تقویت روحیه دل‌سوزی و علاقه‌مندی مسلمانان با هم کند. (بیانات، ۱۳۶۸/۴/۱۲)
۴. امید بخشیدن به جبهه مستضعفان و مبارزان علیه جبهه سلطه و استکبار جهانی. (بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸)

۵. سرمشق شدن در نفی استکبار به دلیل محدودنکردن آرمان‌ها در مرزهای جغرافیایی و نیز نفی و طرد همه قدرت‌های مستکبر. (بیانات، ۱۳۶۸/۸/۳)
۶. جایگزین‌سازی مذهب به عنوان منبع الهام‌بخش مبارزان و پس‌راندن اندیشه‌های چپ و مارکسیستی به عنوان منبع و الگوی الهام‌بخشی. (بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸)
۷. زیر سؤال بردن پایه‌های نظری غرب. (بیانات، ۱۳۸۲/۲/۲۲) و ایجاد تزلزل در ارزش‌های مادی‌گرایانه آن. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

ج) نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در مقایسه با آرمان‌ها

مهمترین شاخص و معیار برای ارزیابی موفقیت یک انقلاب و حرکت اجتماعی مقایسه دستاوردهای آن با آرمان‌ها و اهدافی است که برای آن انقلاب صورت گرفته است. طبیعتاً گستره و دامنه اهداف، مسیر و سرعت نیل به اهداف را هم مشخص خواهد کرد. انقلابی که هدف خود را در محدوده مرزهای ملی و در چارچوب اهداف و آرمان‌های دنیوی مثل رفاه اقتصادی تعیین کرده است محتمل است که سرعت دستیابی به آن اهداف هم زودتر باشد. اما انقلابی که آرمان خود را در بلندترین حد ممکن یعنی کمال انسانیت و در گسترده‌ترین قلمرو یعنی در تمام جهان می‌بیند مسیر طولانی‌تری برای توفیق در نظر خواهد داشت و باید در ارزیابی‌ها به این نکته توجه کرد. ضمن اینکه قلمرو جغرافیایی گسترده‌تر و آرمان بلندتر قطعاً موانع بزرگ‌تر و بیشتری را سر راه قرار خواهد داد و امکانات مادی و معنوی بسیار بیشتری هم طلب می‌کند. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای گستره انقلاب اسلامی جهانی است و اهداف آن هم از تمام حرکت‌های معاصر بلندتر و عمیق‌تر است. بنابراین چون اهداف انقلاب اسلامی بزرگ می‌باشد نیل به این اهداف به این راحتی و زودی حاصل نخواهد شد. انقلاب اسلامی دنبال اجرای احکام اسلام در تمام ابعاد است:

فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً؛ فقه‌الله‌الاکبر این است. آن چیزی که زندگی انسان را اداره می‌کند یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی فقه است. (بیانات، ۱۳۷/۱۱/۳۰)

رسیدن به این مقصد امری است مشکل:

اگر ما بخواهیم در طول سیزده سال این فقه را فقط یاد بگیریم، آیا می‌توانیم؟ عمل کردن، از یادگرفتن مشکل‌تر است. این طور نیست که وقتی ما بخواهیم در یک جامعه

گناه از بین برود، با اشاره‌ای یا با اعمال زوری بشود این کار را کرد. اگر بخواهیم فقر از جامعه برود و زایل بشود، این طور نیست که جامعه‌ای که سال‌های متمادی، بلکه قرن‌های متمادی، از همه جهت موارد درآمدی و ارتباطات اقتصادی او زیر فشار سلطه‌های ظالم بوده، ما بتوانیم در مدت کوتاهی به این جامعه نظم و نسقی بدهیم؛ این کار بسیار سخت است. اداره کشور، اداره زندگی و مواجه شدن با واقعیت، به مراتب دشوارتر است از آنچه که از ترتیب اوضاع در ذهن انسان می‌گذرد. (همان)

به اعتقاد ایشان ما باید نگاه کنیم ببینیم آنچه را که به‌عنوان هدف معین کرده‌ایم، آیا در این مدت برای رسیدن به آن هدف، تلاشی انجام گرفته است یا نه؛ و به قدر آن تلاش، توفیق حاصل شده است یا نه؛ اگر دیدیم شده، در جمع‌بندی نهایی، نسبت به آنچه که انجام گرفته است، ما موقیم. از یک نظر پیشرفت‌ها همه‌جانبه است: در بخش‌های عمرانی، علمی، فنی و مهندسی، صنایع نظامی، علوم پزشکی و ... این پیشرفت‌ها غیرقابل مقایسه با قبل از انقلاب است.^۱ اما انقلاب اسلامی فرآیندی مستمر و تکاملی است که حد پایانی برای آن نمی‌توان قائل شد؛ چون نقطه کمال، بی‌انتهاست. در مقایسه با آرمان‌ها راه طولانی در پیش است و نقاط ضعف و کاستی‌های جدی وجود دارد. (بیانات، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷)

در مجموع در منطق آیت‌الله خامنه‌ای نوسازی معنوی، اصل و بنیان انقلاب اسلامی است و بدون تحقق مکارم اخلاقی و ایجاد انقلاب روحی در مردم و توسعه آن در کل جامعه انقلاب اسلامی نه‌تنها محقق نشده، بلکه معنا نمی‌یابد. انقلاب آن وقتی به صورت کامل تحقق پیدا می‌کند، که آحاد مردم حقیقتاً به مردم مسلمان و مؤمن تبدیل شوند. (بیانات، ۱۳۶۹/۱۲/۰۱)

در نهایت اینکه باید توجه داشت تشکیل امت اسلامی مرحله‌ای از تمدن نوین اسلامی است. در حقیقت جامعه اسلامی ایران یک جامعه الگو برای امت اسلامی است و آن هم بخشی از تمدن نوین اسلامی یا همان تمدن نوین است که خود مقدمه‌ای است برای انقلاب جهانی مهدوی.

نتیجه

دستاوردهای انقلاب را با توجه به چند شاخص می‌توان ارزیابی کرد: در مقایسه با شرایط قبل از انقلاب،

۱. ایشان در سخنرانی‌های متعدد با ذکر دقیق پیشرفت‌ها در بخش‌های مختلف گزارشات تفصیلی در این خصوص ارائه می‌کنند. برای نمونه رک: بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲؛ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵؛ بیانات در دیدار با مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷؛ بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۸۷/۳/۱۴؛ بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان (۱۳۹۱/۶/۲۸)؛ بیانات در اجتماع نخبگان و مسئولان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۲۵)؛ بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱/۱۱/۱۹)

در مقایسه با امکانات و محدودیت‌ها و در مقایسه با آرمان‌ها. در این مقاله بیشتر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص دو بخش اول و سوم به اجمال بیان شد. آیت‌الله خامنه‌ای تحولات پس از انقلاب در مقایسه با شرایط پیش از آن را بسیار بنیادین و اساسی می‌داند. به عبارت واضح‌تر در غالب وجوه ایشان این تحولات را ۱۸۰ درجه‌ای می‌بینند. اولین و مهم‌ترین بخش این تحولات را می‌توان در عرصه سیاسی دید که حکومتی فاسد، مستبد، وابسته، بی‌کفایت و ناکارآمد با حکومتی دین‌مدار و مردم‌سالار جایگزین شد. حکومتی با نظام و معرفتی نو، ساختاری سالم و کارگزارانی صالح، مستقل از نفوذ اجانب و کارآمد در عرصه‌های مختلف. از نظر اقتصادی نیز پیشرفت‌ها بسیار جدی و متنوع است اما بنیان نظام اقتصادی همچنان بر پایه‌های قبلی است و تحولات این عرصه چندان رضایت‌بخش و همپای سایر عرصه‌ها نیست. دلیل این امر هم عدم تغییر معارف و مبانی عرصه اقتصاد و عدم توجه به برخی اصول اقتصادی قانون اساسی مثل اصل عدالت و نیز عدم اجرای درست برخی اصول دیگر مثل اصل ۴۴ قانون اساسی است.

در عرصه فرهنگ نیز تحولات بسیار جدی و شگرف بوده است: جهت فرهنگی کشور رو به ارزش‌های اسلامی و مکارم اخلاقی تغییر کرده است، احساس هویت ملی زنده شده و جامعه از خودباختگی و احساس ناتوانی به خودباوری و اعتماد به نفس ملی دست یافته است، کشور عزت یافته و شاخص هویت ملی از مواردی چون فرش و پسته به ارزش‌ها و شخصیت‌های علمی و معنوی و نیز سرمشق شدن برای مبارزه تغییر کرده است و فرصت برای معنویت فراهم آمده و امکاناتی که در خدمت تضعیف دین و اخلاق بود در خدمت تقویت آن درآمده است. با این وجود استقلال فرهنگی سخت‌ترین و دیرپاب‌ترین عرصه است و راه درازی تا نیل به این مقصود در پیش است.

انقلاب اسلامی در عرصه جهانی هم دستاوردهای عظیمی به دنبال داشته است. مهم‌ترین این آثار را در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی می‌توان مشاهده کرد: فروریختن هیمنه و هیبت مستکبران زورگو، اولین اثر سیاسی مهم در عرصه جهانی است و به تبع آن امیدبخشی و جرئت دادن به مستضعفان عالم برای قیام و مبارزه با سران سلطه، می‌شود گفت تمام محصولات جهانی انقلاب اسلامی در عرصه سیاست و فرهنگ ناشی از همین مسئله و چالش اصلی است. انقلاب اسلامی با تنش‌زایی در نظام سلطه باعث به هم خوردن معادلات سیاسی و فرهنگی شد.

در مقایسه با آرمان‌ها و اهداف بلند و جهانی انقلاب اسلامی می‌توان گفت نظام اسلامی هنوز در ابتدای راه است: نظام طاغوتی سرنگون و نظام توحیدی جایگزین آن شده، اما تا شکل‌گیری یک جامعه الگو برای تشکیل امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی هنوز انقلاب اسلامی در مراحل ابتدایی است.

منابع و مأخذ

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶/۳/۱۴.
۲. بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۴/۲۵.
۳. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵.
۴. بیانات در جمع علما و مدرسان و فضیلابی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
۵. بیانات در جمع کارکنان سازمان صداوسیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸.
۶. بیانات در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی، ۱۳۷۵/۶/۲۷.
۷. بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.
۸. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴.
۹. بیانات در دیدار اعضای ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴/۱/۳۰.
۱۰. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۴/۲.
۱۱. بیانات در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۲/۵.
۱۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۶/۱۵.
۱۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۵/۹/۲۲.
۱۴. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۹/۱۹.
۱۵. بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه فجر، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱.
۱۶. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲.
۱۷. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۱۲/۰۱.
۱۸. بیانات در دیدار با جمعی از علما، مسئولان و مردم شهرهای مختلف، ۱۳۶۸/۱۱/۴.
۱۹. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.
۲۰. بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه پاکستان، ۱۳۶۸/۵/۲۵.
۲۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.
۲۲. بیانات در دیدار با قائم‌مقام و مسئولان بخش‌های مختلف بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۲۳.

- ۱۶۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۵، زمستان ۱۳۹۷، ش ۵۵
۲۳. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.
۲۴. بیانات در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
۲۵. بیانات در دیدار با مردم، ۱۳۶۸/۸/۳.
۲۶. بیانات در دیدار با مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۶۸/۹/۵.
۲۷. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۵/۲۳.
۲۸. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های کشور، ۱۳۶۹/۵/۲۳.
۲۹. بیانات در دیدار با مسئولان، نویسندگان و هنرمندان، ۱۳۷۰/۴/۲۵.
۳۰. بیانات در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲۹.
۳۱. بیانات در دیدار با هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۴.
۳۲. بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۲.
۳۳. بیانات در دیدار پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۸۴/۶/۳۱.
۳۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۷/۳.
۳۵. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۰/۳/۳.
۳۶. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸/۶/۲۴.
۳۷. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۸۱/۶/۲۴.
۳۸. بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.
۳۹. بیانات در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
۴۰. بیانات در دیدار دانشجویان در حسینیه امام خمینی (علیه‌السلام)، ۱۳۹۳/۵/۰۱.
۴۱. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.
۴۲. بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷.
۴۳. بیانات در دیدار شاعران با رهبر انقلاب در نیمه ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۷/۶/۲۵.
۴۴. بیانات در دیدار صدها تن از نخبگان و فرهیختگان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۷.
۴۵. بیانات در دیدار طلاب خارجی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۳.
۴۶. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹.

۴۷. بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم قم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۹.
۴۸. بیانات در دیدار کارکنان «وزارت آموزش و پرورش»، «سازمان بهزیستی» و «سازمان تأمین اجتماعی»، ۱۳۷۲/۴/۲۳.
۴۹. بیانات در دیدار کارگران و معلمان، ۱۳۷۹/۲/۱۴.
۵۰. بیانات در دیدار مدیران صداوسیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.
۵۱. بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.
۵۲. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.
۵۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴، ۱۳۹۲/۴/۳۰.
۵۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۵۵. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.
۵۶. بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۹.
۵۷. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵.
۵۸. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.
۵۹. بیانات در دیدار اعضای هیئت نظارت شورای نگهبان و هیئت اجرایی در انتخابات مجلس خبرگان و مسئولان وزارت کشور، به همراه گروهی از مردم استان لرستان و شهرهای آبادان، لاهیجان و شوشتر، ۱۳۶۹/۷/۴.
۶۰. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۳۹۳/۰۱/۳۱.
۶۱. بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم و گروهی از طلاب پاکستانی، ۱۳۶۸/۴/۱۲.
۶۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲.
۶۳. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۵/۱۲.
۶۴. بیانات در مراسم مانور ذوالفقار، ۱۳۷۶/۷/۵.
۶۵. پایگاه اطلاعاتی دفتر نشر و تنظیم آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی، <http://farsi.khamenei.ir>
۶۶. پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱.
۶۷. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۴، *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، انتشارات باز.
۶۸. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.
۶۹. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹.

۷۰. خطبه‌های نماز جمعه سوم رمضان ۱۴۱۵، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

۷۱. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۰، توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی

ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۵.

۷۲. روشه، گبی، ۱۳۷۹، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ویراست ۲، چ ۱۰.

۷۳. فوکو، میشل، ۱۳۷۷، ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، هرمس.

۷۴. نرم‌افزار حدیث ولایت؛ مجموعه بیانات، مکتوبات و گفتگوهای رهبر معظم انقلاب اسلامی.

